

روند صلح‌سازی در کشورهای چندقومی (مطالعه موردی صلح آچه اندونزی)

روح‌الله محمدی*

چکیده

«آچه» تا قبل از قرن بیستم، سلطان‌نشین و مستقل بود و در سال ۱۹۰۴، هلندی‌ها بالاخره کنترل این ولایت را به دست آوردند. آچه‌ای‌ها روابط تجاری گسترده‌ای با مسلمانان هند، شبه‌جزیره عربستان و امپراتوری عثمانی داشتند. اولین بار اسلام از طریق همین بازرگانان وارد آچه و از آنجا به سایر مناطق اندونزی گسترش یافت. تاریخ فرهنگی آن‌ها که شامل شکل محافظه‌کارانه‌ای از اسلام نسبت به سایر مناطق اندونزی است، سبب شده که خود را از اکثریت جامعه اندونزی متمایز بدانند. جنبش آچه آزاد (جی‌ای‌ام) از سال ۱۹۷۶ برای استقلال این منطقه با دولت اندونزی می‌جنگید. این درگیری‌ها بیش از ۱۵ هزار کشته دربرداشت و باعث آوارگی هزاران تن شد. بعد از سقوط دولت سوهارتو در ۱۹۹۸، تلاش‌های قابل توجهی برای حل منازعه صورت گرفت. چهار دور مذاکره برای پایان خشونت‌ها بی‌نتیجه بود؛ اما پس از وقوع سونامی در ۲۰۰۴ که خساراتی بالغ بر پنج میلیارد دلار به اندونزی و به ویژه آچه وارد کرد، دو طرف برای پایان خشونت‌ها به میز مذاکره بازگشتند. مذاکرات صلح به میزبانی دولت فنلاند برگزار شد و پس از پنج دور گفت‌وگوی نمایندگان دولت اندونزی و جنبش

* ماستر مطالعات جنوب شرق آسیا.

آچه آزاد، سرانجام در ۱۵ اگوست ۲۰۰۵ به سه دهه درگیری در آچه پایان دادند. این پژوهش به بررسی اقدامات مؤثر در روند صلح آچه در قالب این سؤال می‌پردازد که چه اقداماتی باعث تسریع در روند صلح‌سازی در آچه شد؟ و در پاسخ مطرح می‌سازد که این چهار مؤلفه باعث به نتیجه رسیدن روند صلح‌سازی در آچه شد: الف) اقدامات دولت اندونزی؛ ب) عقب‌نشینی جنبش آچه آزاد از برخی خواسته‌های خود؛ ج) تلاش‌های مثبت بین‌المللی در راستای صلح‌سازی؛ د) عامل طبیعی سونامی در سال ۲۰۰۴. این پژوهش به روش کیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات اینترنتی تهیه شده است.

واژه‌های کلیدی: صلح، صلح‌سازی، اقلیت‌ها، اندونزی، جنبش آچه آزاد.

۱. مقدمه

اندونزی پرجمعیت‌ترین کشور با اکثریت مسلمانان در جهان و یکی از ناهمگون‌ترین جوامع قومی جنوب‌شرق آسیا است (Croissant and Lorenz, 2018: 73). آچه یکی از ولایت‌های اندونزی است که در شمال جزیره سوماترا قرار دارد. این منطقه سه مشخصه منحصر به فرد دارد: اول این که این ولایت یکی از قدرت‌های اصلی اقتصادی اندونزی با ذخایر مهم مواد معدنی، الوار، نفت، گاز و منابع دریایی است. دوم این که آچه دروازه مکه خوانده می‌شود (Soetjipto, 2005) که در آن یک اسلام سنتی‌تر و محکم‌تر اعمال می‌شود. این ویژگی به این خاطر است که اولین نقطه ورود اسلام به مجمع‌الجزایر اندونزی با ورود اولین تجار عرب و هندی در این منطقه بوده است. در زمان‌های گذشته آچه یکی از بنادر اولیه ورود به سوی مکه و دیگر مراکز مذهبی اسلام بوده است. این واقعیت‌ها تأثیر عمیقی بر جنبه‌های زندگی معاصر مردم این منطقه گذاشته است. سوم این که آچه نسبت به دیگر مناطق اندونزی یک هویت ملی با زبان و فرهنگ و میراث محلی منحصر به فرد دارد (Perez, 2009: 11). آچه تا قبل از قرن بیستم، سلطان‌نشین و مستقل بود و در سال ۱۹۰۴ هلندی‌ها بالاخره کنترل این استان را به دست آوردند. در طول جنگ جهانی دوم تا پایان این جنگ (۱۹۴۲-۱۹۴۵)، این منطقه به تصرف جاپانی‌ها درآمد. در سال ۱۹۷۶ درگیری جنبش آچه آزاد برای استقلال آغاز شد که در نهایت بعد از توافق‌نامه صلح ۲۰۰۵ هلسنیکی و اعطای خودمختاری به این منطقه، درگیری‌ها کاهش یافت.

سه متغیر (اقتصاد، مذهب و ناسیونالیسم)، تحول تاریخی آچه را در رابطه با دو قدرت استعمارگر هلند از قرن ۱۸ تا ۱۹۴۲ و جاپان از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۵ که اندونزی را تحت سلطه خود درآورده‌اند، نشان داده‌اند (Perez, 2009: 12). بعد از آن که آچه بخشی از کشور اندونزی پس از جنگ جهانی دوم

شد، در سال ۱۹۵۳ اقدامات نظامی با هدف ایجاد یک حکومت اسلامی توسط جنبش دارالاسلام در این منطقه شکل گرفت. در اواسط دهه ۱۹۷۰ شورش دیگری علیه دولت مرکزی این بار با هدف جدایی از اندونزی توسط جنبش آچه آزاد انجام شد که توسط ارتش اندونزی در مدت کوتاهی از بین رفت. در سال ۱۹۸۹ قیام دیگری به رهبری «تونگو حسن دی تیرو» آغاز شد که هدف آن جدایی کامل از اندونزی و حق ذاتی تعیین سرنوشت بود. اگرچه ارتش اندونزی موفق شد دو شورش مسلحانه در ۱۹۷۶ و ۱۹۹۰ را سرکوب کند؛ اما بعد از سقوط دولت سوهارتو، برخلاف دهه‌های گذشته، حمایت مردمی از جنبش آچه آزاد تقویت شد. در این زمینه بسیاری استدلال می‌کنند که حمایت مردم از شورشیان به سوءاستفاده نیروهای امنیتی در دهه ۱۹۹۰ (Robinson, 1998) و ناتوانی دولت پس از سوهارتو برای حل این مشکل ناشی می‌شود (Sukma, 2001).

بعد از درگیری‌های متناوب بین ارتش اندونزی و شورشیان آچه، در نهم دسامبر سال ۲۰۰۲ دولت مرکزی و جنبش آچه آزاد در ژنو برای پایان یک مخاصمه طولانی گردهم آمدند. دولت اندونزی که شاهد جدایی و استقلال تیمور شرقی بود، در اجرای توافق صلح آچه، طرحی را ارائه کرد که به جنبش‌های استقلال‌طلبی دیگر هم در این کشور خاتمه بدهد. بر اساس موافقت‌نامه صلح ژنو، ولایت آچه به خودمختاری رسید؛ اما هم‌چنان بخشی از اندونزی قلمداد می‌شد. هنوز ۱۱ روز از امضای موافقت‌نامه صلح نگذشته بود که رسانه‌ها از آغاز درگیری میان دو طرف خبر دادند. با شکست دور دیگر مذاکرات صلح در جاپان، دولت اندونزی در ۱۹ می سال ۲۰۰۳ از زمین و هوا آچه را مورد حمله قرار داد. با روی کار آمدن دولت «یوده‌یونو» درگیری و کشمکش میان طرفین تا ماه‌ها ادامه داشت. دولت یوده‌یونو از سویی با استقلال تیمور شرقی در سال ۱۹۹۹ نمی‌توانست موج استقلال‌خواهی مردم ولایت‌های آچه و پاپوا را مهار کند و از طرفی با شکست شیوه‌های قهری در این منطقه برای ایجاد صلح و آرامش مواجه بود. تا این‌که یکی از بزرگ‌ترین فجایع قرن در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴ اندونزی و مخصوصاً آچه رخ داد و سونامی خسارات جبران‌ناپذیری به مردم و قوای مبارزان آچه وارد کرد. رهبران جنبش در داخل و خارج به این نتیجه رسیدند که برای بازسازی دوباره آچه چاره‌ای جز حضور در میز مذاکره ندارند. «مارتی آهتیساری»، رئیس جمهور پیشین فنلاند و رئیس ابتکار مدیریت بحران، میانجیگری مذاکرات صلح آچه را بر عهده گرفت. پس از پنج دور مذاکرات نمایندگان دولت و جنبش آچه آزاد، یادداشت تفاهم صلح در تاریخ ۱۵ اوت سال ۲۰۰۵ به سه دهه خونریزی در این ولایت پایان داد. با توجه به اقدامات دولت اندونزی و نقش کشورهای دیگر و هم‌چنین ضرورت ایجاد صلح به دلیل بروز قهر طبیعت، باید دید روند صلح‌سازی در آچه اندونزی می‌تواند پایدار بماند و به الگویی برای صلح‌سازی در سایر نقاط جهان تبدیل شود یا نه؟

۲. چارچوب مفهومی؛ صلح‌سازی

صلح‌سازی اشاره به شرایطی دارد که فعالیت میانجیگران صلح و نیروهای حافظ صلح را با پرداختن به موضوعات ساختاری منازعه و روابط بلندمدت طرف‌های منازعه استحکام می‌بخشد. هدف صلح‌سازی تلاش به منظور تغییر در برداشت یا نگرش طرف‌های منازعه و هدف صلح‌بانان تغییر در رفتارهای تخصصی به سوی رفتارهای صلح‌آمیز و هدف صلح‌سازی تلاش برای حل منازعات درونی و ریشه منازعه و فائق آمدن بر آن می‌باشد. پطرس غالی، دبیرکل پیشین سازمان ملل در تعریف واژه فوق بیان می‌دارد که این رویکرد عملی است برای تشخیص حمایت از ساختارهایی که تمایل به قدرتمندی و استحکام صلح به منظور جلوگیری از بازگشت مجدد به منازعه می‌باشد (Ghali, 1992: 11)؛ (جوادی ارجمند و متین جاوید، ۱۳۸۵: ۲۱-۲۲). در سال ۱۹۷۶ جان گالتونگ در مقاله «سه رهیافت نسبت به صلح: حفظ صلح، ایجاد صلح و صلح‌سازی» با اشاره به این که صلح‌سازی دارای ساختاری متفاوت با حفظ صلح و ایجاد صلح است، تأکید کرد مکانیزمی که صلح را ایجاد می‌کند، بایستی ریشه‌ها و علل جنگ را برطرف کرده و در وضعیت‌هایی که جنگ ممکن است به وقوع بپیوندد، راه‌کارهایی را برای پرهیز از وقوع آن ارائه کند. این تعریف در واقع پایه‌های نظری مفهوم صلح‌سازی را مطرح کرد. بر این اساس، صلح‌سازی به مفهوم تلاش برای ایجاد صلح پایدار از طریق پرداختن به ریشه‌های به‌وجودآورنده منازعات خشونت‌بار و ایجاد ظرفیت‌های بومی برای مدیریت و حل و فصل منازعات است. پیروان جان گالتونگ بر این باورند که هدف صلح‌سازی بایستی ایجاد صلح مثبت باشد که مردم عادی را از اشکال مختلف خشونت ساختاری در جوامع‌شان رهایی می‌بخشد. خشونت ساختاری در این‌جا انواع صدماتی است که به واسطه فقر به نهادها، نظام‌ها یا ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناعادلانه بر جامعه وارد می‌شود. این تعریف گالتونگ بسیار موسع و انتزاعی است. جان پائول لدرچ، تعریف معتدل‌تری از صلح‌سازی ارائه می‌دهد. او معتقد است صلح‌سازی مفهومی فراتر از بازسازی (فیزیکی) پس از منازعات بوده و در واقع مفهومی جامع است که دربردارنده مجموعه‌ای از فرایندها، رهیافت‌ها و مراحل لازم برای تغییر منازعه به روابط صلح‌آمیز پایدار است. بر این اساس، صلح بر ساخته‌ای اجتماعی تلقی می‌شود. در این چارچوب، فرایند صلح‌سازی نه تنها دارای جنبه‌های سخت‌افزاری مانند بازسازی نهادهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی است؛ بلکه یک فرایند اجتماعی مشارکتی تلقی می‌شود که روابط گسسته میان مردمی را بازسازی می‌کند (چگنی‌زاده و صحرایی، ۱۳۹۴: ۷۴-۷۵). در پژوهش حاضر، در چارچوب مفهوم صلح‌سازی، به ارزیابی فرایند صلح‌سازی در آنچه پرداخته می‌شود.

۳. ریشه‌های بحران

سابقه مناقشه آنچه معلول سه روایت سیاسی زیر است: (۱) تصور قربانی تبعیض فرهنگی و مذهبی شدن مردم این منطقه؛ (۲) استعمار نو؛ (۳) محرومیت اقتصادی (LindorfNielsen, 2002: 1-12). به دلیل مقاومت طولانی مدت آن‌ها علیه استعمار هلند در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم، وقتی دولت اندونزی تصمیم گرفت که آنچه نظام سلطنتی خود را نداشته باشد، آن‌ها احساس کردند که اهمیت تاریخی شان مورد غفلت قرار گرفته است. این امر موجب شورش مسلحانه در اوایل دهه ۱۹۵۰ توسط جنبش دارالاسلام شد که این شورش در سال ۱۹۵۹ به دلیل توافق نامه خودمختاری ویژه به پایان رسید. به تدریج در طی دهه ۱۹۷۰ نظم نوین اندونزی (۱۹۶۶ - ۱۹۹۸) با هدف نظم و ثبات و ایجاد هویت اندونزیایی واحد، تمرکز قدرت در جاوا و مهاجرت اجباری ساکنین آنچه به مناطق دورافتاده شکل گرفت. علاوه بر این، بهره‌برداری یک‌طرفه از سوخت‌های فسیلی در آنچه، آلودگی محیط زیست، فقدان توسعه، بیکاری زیاد و رکود اقتصادی عمومی در این ولایت، نارضایتی عمومی را دامن زد و منجر به تأسیس جنبش آنچه آزاد به رهبری حسن دیترو شد. حسن دیترو در اعلامیه استقلال آنچه گفت: «ما مردم آنچه دفاع از سرزمین تاریخی مان را حق خود می‌دانیم. به این وسیله ما خود را آزاد و مستقل از رژیم خارجی جاکارتا و مردم بیگانه جزیره جاوا می‌دانیم. جاوا برای ما بیگانه است و ما هیچ رابطه تاریخی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و جغرافیایی با آن‌ها نداریم.» (Di Tiro, 1976).

قیام اولیه که شامل حدود ۳۰۰ روشنفکر می‌شد، فوراً سرکوب شد (Sulaiman, 2006: 138). رهبری این گروه از کشور گریخت و نیروهای وفادار خود را با کمک لیبیا سازمان‌دهی کرد و سپس در دهه ۸۰ میلادی به عنوان یک جنبش جدایی طلب مسلح اعلام موجودیت کرد. واکنش تند نیروهای مسلح اندونزی علیه این گروه و اقدامات ضد شورش علیه غیر نظامیان و کشتار آنان منجر به تنفر مردم از دولت مرکزی و تبدیل این جنبش به یک جنبش مردمی در دهه ۱۹۹۰ شد (LindorfNielsen, 2002: 1-12). در ۱۹۹۸ سوهارتو از قدرت کنار رفت و اصلاحات در اندونزی رشد روزافزونی گرفت. به دنبال اقدامات تیمور شرقی، جنبش آنچه آزاد ضمن بازسازی مجدد، استراتژی خود را تغییر داد و با مذاکرات صلح موافقت کرد (Schulze, 2004: 9; Mibbach, 2005).

تلاش‌ها برای ایجاد صلح توسط مؤسسه HDC در سال ۲۰۰۰ و توافق نامه CoHA در سال ۲۰۰۲ بی‌نتیجه ماند. عدم اعتماد متقابل، میانجی‌های ضعیف، ترتیبات مبهم و فقدان مشارکت بین‌المللی باعث شکست این مذاکرات شد. علاوه بر این، منافع اقتصادی جنگ آنچه مانند استفاده از راه‌های غیر قانونی، دزدی دریایی، تجارت اسلحه، اخاذی و قاچاق، برای هر دو طرف مناقشه برای خاتمه‌درگیری

مضر بود. تقویت نقش نیروهای مسلح در دوره ریاست جمهوری مگاواتی سوکارنو در نهایت منجر به اجرای آخرین عملیات نظامی در ماه می ۲۰۰۳ شد. این وضعیت بالاخره به وضعیت اضطراری نظامی و در آخر به وضعیت اضطراری مدنی تنزل یافت (Darutat, 2007). این اعمال فشارها و تغییر وضعیت‌ها برای مردم منطقه بسیار سنگین تمام می‌شد؛ اما در نهایت باعث تثبیت پایگاه سیاسی جنبش آچه آزاد در این منطقه می‌شد.

اقدامات نیروهای مسلح و پلیس اندونزی نتوانست باعث نابودی ارتش ملی آچه شود. فشار نظامی، ایده استقلال را نتوانست در قلب و ذهن شهروندان آچه بگیرد و این نیروها نتوانستند این جنبش را به شکل نظامی سرکوب کنند. تنها زمانی که سونامی در دسامبر ۲۰۰۴ به ساحل آچه رسید، بن‌بست سیاسی بین دولت اندونزی و جنبش آچه آزاد توانست حل شود. فاجعه طبیعی و حضور بیش از حد سازمان‌های کمک‌رسان بین‌المللی به عنوان یک کاتالیزور عمل کرد (Zartman, 2001: 8-18). علاوه بر این، منافع اقتصادی تازه در حال ظهور اندونزی، شورشیان را به این ایده رسانده بود که از اقتصاد جنگی فاصله بگیرند و صلح را مطلوب‌تر از جنگ تلقی کنند.

۴. نقشه راه صلح آچه

۴-۱. اقدامات دولت اندونزی در صلح

اقدامات دولت برای تسریع در روند صلح جوانب مختلفی دارد که در این بخش به آن می‌پردازیم. اول این که دولت با طرح‌های عملی و پیشنهادهای منطقی وارد مذاکرات صلح شد. این پیشنهادها با عفو عمومی برای اعضای جنبش آچه آزاد شروع شد و اجازه داد تا همه زندانیان و بازداشت‌شدگان دو هفته پس از امضای پیمان صلح آزاد شوند. همه اتهامات قانونی علیه فعالان این جنبش لغو شد و آن‌هایی که در خارج از کشور زندگی می‌کردند، بدون قید و شرط به خانه‌های خود بازگشتند. دولت حدود ۲۷۰۰ زندانی را که در جریان اقدامات این جنبش دستگیر شده بودند، آزاد کرد.

علاوه بر این، دولت برنامه‌های اقتصادی مشخصی را پیشنهاد کرد. به دولت آچه اجازه داده شد تا ۷۰ درصد از عواید آچه را حفظ کند. این درآمدها بدون شک می‌توانست اقتصاد ویران‌شده از جنگ و سونامی را دوباره در این منطقه احیا کند. چنین درصد بالایی از درآمد یک امید غیر قابل تصور در طول جنگ بود. با افزایش درآمدهای اقتصادی، آچه در حال پیشرفت به سوی یک اقتصاد بهتر است و منجر به پایان سه دهه درگیری شد.

دلیل دیگر برای موفقیت، تعهد کامل دولت برای حل این مناقشه خونین از طریق ابزارهای

مسالمت‌آمیز است. عبدالرحمن وحید پس از مدت کوتاهی که رئیس جمهور شد، از مراکز HDC و CoHA دعوت کرد که زمینه‌های مساعد صلح را آماده سازند. استراتژی دولت وحید برای کاهش خشونت در آچه از طریق گفت‌وگو این بود که جنبش آچه آزاد مبارزه مسلحانه را پایان دهد و خودمختاری ویژه را بپذیرد (Putranto, 2009: 87). یوده‌ویونو ارتش را متقاعد کرد که از مذاکرات صلح حمایت کند. یوسف کالا از طرح گفت‌وگوهای صلح با اعمال نفوذ در پارلمان حمایت کرد. هر دو ی آن‌ها به دنبال متوقف کردن جنگ بودند. آن‌ها هر دو باور داشتند که صلح بهترین وسیله برای پرداختن به تفاوت‌های گذشته است.

عامل بعدی، پشتیبانی نیروهای مسلح است. در ابتدا، بدبینی بر مذاکرات صلح سایه انداخته بود. مردم بر این باور بودند که نیروهای مسلح مانعی بر سر راه صلح خواهند بود؛ چرا که آن‌ها منافع اقتصادی به دست آمده از جنگ را از دست خواهند داد؛ اما این اشتباه بود و تصمیم‌گیرندگان مسائل نظامی با تلاش‌های سیاسیون متقاعد شده بودند که دیگر جنگ راه حل نیست.

توافق بر سر سیاست «دهان بسته» در طول هفت ماه مذاکرات به طور قابل توجهی به ایجاد صلح کمک کرد. در طول مذاکرات دولت و جنبش آچه آزاد حق پخش اطلاعات به رسانه‌ها در مورد مسائل اساسی و مورد بحث را نداشتند. هر دو طرف با تبعیت از این سیاست، آن را رعایت کردند؛ بنابراین، مذاکرات صلح بدون در نظر گرفتن مسائل بحث‌برانگیز و غیر ضروری در رسانه‌ها ادامه یافت. این سیاست مانع تحریک رسانه‌ای بی‌فایده و تأثیر بر این مذاکرات شد. همراه با این شکل از مذاکرات، گفت‌وگوهای مستقیم و غیر رسمی نقش مهمی در پیشبرد این روند ایفا کرد. گفت‌وگوهای مستقیم بدین معنا است که هر دو طرف می‌توانند یکدیگر را ببینند و در چشمان یکدیگر نگاه کنند. پیام‌ها توسط طرف سوم رد و بدل نمی‌شد و به طور مستقیم و بدون واسطه منتقل می‌شد؛ از این رو، هر دو طرف تفاسیر خود را بیان نکردند؛ بلکه با ارتباط رو در رو نتیجه‌گیری کردند.

در نهایت، تمایل و توانایی هر دو طرف در حفظ روابط شخصی ضروری بود. هیچ مسئله دشوار حل نشده‌ای باقی نمانده بود. روابط شخصی عمیق و گفت‌وگوهای مداوم، مذاکره‌کنندگان را قادر ساخت تا هیچ مسئله حل نشده‌ای باقی نماند (Awaluddin, 2008: 25-27).

۴-۲. اقدامات جنبش آچه آزاد

اگرچه وقوع فاجعه سونامی در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴ و سرآزیر شدن سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی برای کمک به این فاجعه، کاتالیزوری برای متقاعد کردن جنبش آچه آزاد برای پذیرش مذاکرات صلح بود؛ اما این جنبش برخی اقدامات برای پیشبرد صلح و همچنین احقاق داعیه خود داشت. استقلال

آچه در آغاز مهم‌ترین هدفی بود که جنبش آچه آزاد بر آن پافشاری می‌کرد و اما به مرور با رخ دادن برخی وقایع، سرانجام این جنبش به خودمختاری این منطقه رضایت داد.

در آغاز استراتژی جنبش آچه آزاد بر دو عنصر مبارزه چریکی و بین‌المللی‌سازی از طریق ابزارهای سیاسی متمرکز بود (Schulze, 2006: 226). بین‌المللی‌سازی از مبارزات تیمور شرقی الهام گرفته شده بود. این جنبش با گروه‌های حقوق بشر بین‌المللی رایزنی کرد و نیروهای امنیتی اندونزی را به عنوان ناقضان حقوق بشر به تصویر کشید (Schulze, 2007: ۹۵). هم‌چنین، افکار عمومی را علیه حکومت با محکوم کردن سرکوب نظامی و نقض حقوق بشر بسیج کرد (Ross, 2004: ۴۹). این جنبش یک استراتژی برای غیر فعال کردن زیرساخت‌های دولت محلی به کار برد. صدها مدرسه به آتش کشیده شد و شماری از معلمان کشته شدند. در نتیجه تا سال ۲۰۰۱، بیش از ۸۰ درصد از روستاهای آچه تحت کنترل جنبش بودند و تقریباً همه زیرساخت‌های دولتی را از کار انداخته بودند.

حسن دیترو در تبعید تلاش کرد حمایت ایالات متحده و اتحادیه اروپا را داشته باشد. او سپس سعی داشت توجه جهان اسلام را به مسئله آچه جلب کند و تنها لیبیا در سال ۱۹۸۵ از طریق آموزش نظامی به این جنبش کمک کرد. اگرچه برخی از سازمان‌های حقوق بشری نگران وضعیت در آچه بودند؛ اما دیترو نتوانست توفیقی برای لابی در سازمان ملل داشته باشد. استراتژی بین‌المللی‌سازی مسئله آچه پس از سقوط سوهارتو در ۱۹۹۸ تغییر کرد. با الهام از جدایی تیمور شرقی، رهبران جنبش آچه آزاد راهی جدید برای استقلال آچه از اندونزی جست‌وجو می‌کردند. از آن زمان به بعد رهبران جنبش تلاش خود را بر رفراندوم متمرکز کردند. با انجام این کار، آن‌ها نیازمند مذاکرات صلح تحت نظارت سازمان ملل بودند. با افزایش فعالیت‌های مسلحانه جنبش و حمله به نیروهای امنیتی، تلاش‌ها خراب شد و به نتیجه نرسید. با پیامدهای تلخ درگیری‌های تیمور شرقی و هم‌چنین آچه، این جنبش نیروهای امنیتی اندونزی را به نقض حقوق بشر متهم کرد. دو تلاش صلح نتوانست صلح پایدار را به آچه آورد. هر دو طرف به تعهدات خود پایبند نبودند. توافق‌نامه هلسینکی در سال ۲۰۰۵ نسبت به موارد قبل آینده‌روشنی داشت (Putranto, 2009: 84-86).

فاجعه سونامی بسیاری از معادلات این منطقه را برهم زد و خسارات و تلفات ناشی از این حادثه جنبش آچه آزاد را بر این داشت که از بسیاری از خواسته‌های خود دست بکشد و به مذاکرات صلح رضایت دهد. در مرحله اولیه صلح، جنبش آچه آزاد هدف استقلال خود را رها کرد و تمایل خود را برای پایان دادن به نبرد مسلحانه نشان داد. تا اواخر ۲۰۰۵، این جنبش سلاح خود را تسلیم و بازوی نظامی خود را منحل اعلام کرد. دولت یوده‌ویونو هم در پی اصلاح و مدرن‌سازی ارتش اندونزی اجازه اختیارات بیش‌تری به مناطق داد (Feith, 2007: 2).

یکی از مواردی که کمک بسیاری به تسریع روند صلح‌سازی در این منطقه کرد، وفاداری پیروان جنبش آچه آزاد در پیروی از دستورات رهبران خود بود که گفت‌وگوهای صلح را انجام می‌دادند. هیچ تلفاتی در طی مذاکرات صلح رخ نداده بود. این کمک بزرگی برای اجازه دادن به مذاکرات و رسیدن به توافق بود (Awaluddin, 2008: 27).

۴-۳. اقدامات جامعه بین‌الملل

بحران آچه یکی از طولانی‌ترین بحران‌ها در آسیا بوده است. اقدامات متعددی برای صلح صورت گرفت؛ اما شرایط مناسب برای صلح پایدار تا سال ۲۰۰۵ وجود نداشت. روی کارآمدن یک دولت دموکراتیک در جاکارتا، تصمیم جنبش آچه آزاد مبنی بر عقب‌نشینی از استقلال این منطقه و سونامی ویرانگر عوامل اصلی در امضای یادداشت تفاهم بین طرفین در ۱۵ اوت ۲۰۰۵ در هلسینکی بود. این توافق‌نامه تحت نظارت مارتی آهتیساری، رئیس‌جمهور سابق فنلاند، انجام شد. این توافق‌نامه شامل مجموعه‌ای از الزامات برای هر دو طرف بود. جنبش آچه آزاد متعهد شد مبارزه مسلحانه را متوقف و تمام سلاح‌های خود را تحویل دهد. در عوض، اندونزی به خودمختاری گسترده، از جمله حق تشکیل احزاب سیاسی محلی و کنترل محلی بر بخشی از درآمدهای منابع طبیعی، رضایت داد.

در طول سومین دور مذاکرات، طرفین به دنبال یک هیأت نظارت مناسب برای توافق نهایی بودند. هیأت نظارت صلح آچه به وسیله اتحادیه اروپا و پنج کشور عضو آسه‌آن شکل گرفت. نمایندگان اتحادیه اروپا به مراحل نهایی مذاکرات هلسینکی دعوت شدند و بدین ترتیب هماهنگی بین مذاکره‌کنندگان و ناظران بین‌المللی آن ایجاد شد (Feith, 2007: 2).

نظارت بر صلح آچه اولین مأموریت اتحادیه اروپا در آسیا با همکاری کشورهای آسه‌آن بود. مشارکت آسه‌آن مشروعیت منطقه‌ای به این مأموریت می‌داد؛ به این دلیل که ناظران آسیایی درک بهتری از فرهنگ و آداب و رسوم محلی مردم منطقه داشتند. اتحادیه اروپا هم برنامه‌ریزی و تأمین مالی این مأموریت را تقبل کرده بود. این همکاری متقابل، ارزش خود را ثابت کرد و به تجربه‌ای موفق در مدیریت بحران برای این سازمان‌ها تبدیل شد. هیأت اعزامی اتحادیه اروپا مأموریت نظارت و حمایت از روند صلح خود را در ۱۵ دسامبر ۲۰۰۶ به پایان رساند.

همکاری سازمان‌های بین‌المللی دولتی و مراکز صلح در روند صلح آچه نمونه موفق‌تری از همکاری بین‌المللی و منطقه‌ای در حمایت از صلح است. میزبانی کشور فنلاند، نظارت بین‌المللی اتحادیه اروپا و همکاری و نظارت منطقه‌ای آسه‌آن در کنار التزام و پایبندی به تعهدات دولت اندونزی و جنبش آچه آزاد سبب شد که روند صلح در این منطقه پایدار باقی بماند.

۴-۴. نتایج مذاکرات صلح

بعد از فاجعه بزرگ سونامی در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴ و خسارات جبران‌ناپذیر به مردم و قوای مبارزان آچه، رهبران جنبش در داخل و خارج به این نتیجه رسیدند که برای بازسازی دوباره آچه چاره‌ای جز حضور در میز مذاکره ندارند. مارتی آهتیساری، رئیس جمهور پیشین فنلاند و رئیس ابتکار مدیریت بحران، میانجیگری مذاکرات صلح آچه را بر عهده گرفت. پس از پنج دور مذاکرات نمایندگان دولت و جنبش آچه آزاد، امضای یادداشت تفاهم صلح در تاریخ ۱۵ اوت سال ۲۰۰۵ به سه دهه خونریزی در این استان پایان داد.

مهم‌ترین موارد توافق‌نامه صلح به قرار زیر است:

۱. آچه بر تمام بخش‌های عمومی که با تشکیلات اداری و قضایی خود مرتبط خواهد بود، حاکمیت خواهد داشت به جز امور مربوط به روابط خارجی، دفاع خارجی، امنیت ملی، امور پولی و مالی، عدالت و امور مذهبی که به دولت جمهوری اندونزی متعلق است و بر اساس قانون اساسی تعیین می‌شود.

۲. هرچه زودتر و قبل از تمام شدن یک سال از امضای این یادداشت تفاهم، دولت اندونزی به تأسیس احزاب سیاسی محلی کمک خواهد کرد و مردم آچه می‌توانند نامزدهای خود را برای تمام پست‌های انتخاباتی در انتخابات آوریل ۲۰۰۶ معرفی کنند.

۳. آچه حق دریافت وام‌های خارجی و تعیین نرخ بهره بانکی فراتر از نرخ بهره بانک مرکزی را دارد. ۷۰ درصد منابع هیدروکربور مستقر در خشکی یا دریایی سرزمینی آچه به این ولایت متعلق است.

۴. در چارچوب سیستم قضایی اندونزی، یک نظام قضایی بی‌طرف و مستقل از جمله دادگاه استیناف برای آچه تشکیل خواهد شد.

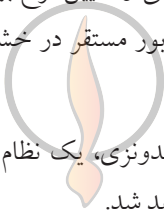
۵. تأسیس دادگاه حقوق بشر و کمیسیون مصالحه و حقیقت برای آچه.

۶. عفو تمام اعضای جنبش آچه آزاد از سوی دولت در ظرف کم‌تر از ۱۵ روز.

۷. تحویل تمام تسلیحات، مهمات و مواد منفجره از سوی جنبش.

۸. تأسیس هیأت نظارت آچه از سوی اتحادیه اروپا و آسه‌آن برای نظارت بر اجرای تعهدات مندرج در توافق‌نامه.

۹. به عنوان یک قاعده، همه اختلافات در مورد اجرای یادداشت تفاهم توسط ناظران صلح و با



گفت‌وگوی طرفین و ارائه سریع اطلاعات مورد نیاز از سوی آن‌ها بررسی و حل خواهد شد. استقرار تیم ناظران اتحادیه اروپا و اتحادیه جنوب شرق آسیا (آسه‌آن) پس از امضای توافق صلح در مناطق درگیر که با هدف رسیدگی و نظارت بر اجرای توافق‌نامه صلح هلسینکی صورت گرفت، نشان از یک عزم جمعی برای حل ریشه‌ای مشکل آچه داشت.

آچه پس از امضای قرارداد صلح بین دولت اندونزی و جنبش آچه آزاد در هلسینکی در ۱۵ اوت ۲۰۰۵ به ثبات رسید. با این حال، این بدان معنا نیست که درگیری‌ها متوقف شده باشد. برخی از درگیری‌هایی که تهدید بالقوه برای صلح آچه بوده، بارها اتفاق افتاده است: از مشکلات جنایی گرفته تا مسائل اجتماعی، سیاسی و تروریسم. اگرچه چنین درگیری‌هایی در مناطق دیگر اندونزی نیز رخ داد؛ اما این درگیری‌ها در آچه به دلیل تهدید صلح بسیار حساس بود. برخی اقدامات تروریستی مبتنی بر افراط‌گرایی مذهبی روند صلح در آچه را نیز مختل می‌کرد (Zulkarnaen and Suzanna, 2017: 589). موانعی که بر سر روند صلح در آچه اتفاق می‌افتد، عبارتند از: ۱) درگیری در طی انتخابات محلی؛ ۲) هرج و مرج مالیدر روند نوسازی و استقرار مجدد؛ ۳) افزایش جرایم؛ ۴) فقر؛ ۵) سوء مدیریت دولتی؛ ۶) تروریسم (Zulkarnaen and Suzanna, 2017: 590). مردم آچه از سه دهه درگیری‌های این منطقه خسته شده‌اند و آچه وارد یک محیط جدید که از اواسط دهه ۱۹۷۰ اتفاق نیفتاده، شده‌اند.

۵. نتیجه‌گیری

جنبش آچه آزاد (جی‌ای‌ام) از سال ۱۹۷۶ برای استقلال این منطقه با دولت اندونزی می‌جنگید. این درگیری‌ها بیش از ۱۵ هزار کشته دربرداشت و باعث آوارگی هزاران تن شد. بعد از سقوط دولت سوهارتو در ۱۹۹۸، تلاش‌های قابل توجهی برای حل منازعه صورت گرفت. چهار دور مذاکره برای پایان خشونت‌ها بی‌نتیجه بود؛ اما پس از وقوع سونامی در ۲۰۰۴ که خساراتی بالغ بر پنج میلیارد دلار به اندونزی و به ویژه آچه وارد کرد، دو طرف برای پایان خشونت‌ها به میز مذاکره بازگشتند. مذاکرات صلح به میزبانی دولت فنلاند برگزار شد و پس از پنج دور گفت‌وگوی نمایندگان دولت اندونزی و جنبش آچه آزاد، سرانجام در ۱۵ اگوست ۲۰۰۵ به سه دهه درگیری در آچه پایان دادند. چهار مؤلفه زیر باعث به نتیجه رسیدن روند صلح‌سازی در آچه شد: الف) اقدامات دولت اندونزی؛ ب) عقب‌نشینی جنبش آچه آزاد از برخی خواسته‌های خود؛ ج) تلاش‌های مثبت بین‌المللی در راستای صلح‌سازی؛ د) عامل طبیعی سونامی در سال ۲۰۰۴. از اقدامات دولت اندونزی می‌توان از: ۱) طرح‌های عملی و منطقی؛ ۲) اعلان عفو عمومی؛ ۳) برنامه‌های اقتصادی مشخص؛ ۴) تعهد دولت بر حل مناقشه به صورت مسالمت‌آمیز؛ ۵) پشتیبانی نیروهای مسلح از روند صلح‌سازی؛ ۶) توافق و اجرای سیاست

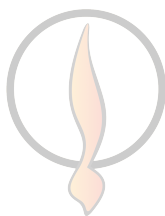
«دهان بسته» در طول مذاکرات نام برد. اقدامات جنبش آنچه آزاد را هم می‌توان موارد زیر دانست: (۱) استراتژی بین‌المللی سازی مسئله آنچه؛ (۲) دنبال‌کردن ایده استقلال و پذیرش خودمختاری؛ (۳) انحلال بازوی نظامی جنبش؛ (۴) پرهیز از خشونت در طول روند مذاکرات صلح؛ (۵) وفاداری پیروان جنبش از رهبران خود. جامعه بین‌الملل هم با اقدامات زیر روند صلح در آنچه را سرعت بخشید: (۱) میانجیگری دولت فنلاند؛ (۲) همکاری سازمان‌های بین‌المللی دولتی و مراکز صلح؛ (۳) نظارت اتحادیه اروپا؛ (۴) همکاری آسه‌آن و اتحادیه اروپا؛ (۵) در نهایت هم یکی از فجایع بزرگ قرن یعنی سونامی سال ۲۰۰۴.

منابع

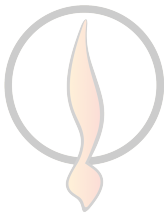
۱. جوادی ارجمند، محمدجعفر و مهدی متین جاوید (۱۳۸۷)، «بررسی نقش حل‌وفصل منازعه در روابط بین‌الملل»، فصلنامه سیاست، دوره سی و هشتم، شماره ۱.
۲. چگنی‌زاده، غلامعلی و محمدرضا صحرایی (۱۳۹۴)، «صلح‌سازی در افغانستان: ۱۴ سال پس از توافق‌نامه بن»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۴.
3. Awaluddin, Hamid (2008) "Whyispeacein Aceh successful?" Reconfiguring politics: the Indonesia – Aceh peace process, London.
4. Croissant, Aurel and Lorenz, Philip (2018) Comparative Politics of Southeast Asia Aurel Croissant Philip Lorenz An Introduction to Governments and Political Regimes, Springer International Publishing AG.
5. di Tiro, Hasan (1976), The Declaration of Independence of Aceh-Sumatra, online: (February 1, 2010).
6. Feith, Pieter (2007) The Aceh Peace Process Nothing Less than Success, United States Institute of Peace, The Aceh Peace Process: Nothing Less than Success | United States Institute of Peace (usip.org).
7. Ghali, Boutros, B, (1992), An Agenda for peace, United Nations, New York.
8. Lindorf Nielsen, Mette (2002), Questioning Aceh's Inevitability: A Story of Failed National Integration?, online: (January 28, 2010).
9. Mißbach, Antje (2005), FreiheitskämpferoderGeschäftemacher?, Berlin: Logos Verlag.
10. Perez, Javier Gil (2009) Lessons of peace in Aceh: administrative decentralization and political freedom as a strategy of pacification in Aceh, InstitutCatalàInternacional per la Pau, Barcelona.
11. Putranto, Joko P. (2009) Aceh conflict resolution lessons learned and the future of Aceh, NAVAL POST-GRADUATE SCHOOL, MONTEREY, CALIFORNIA.
12. Robinson, Geoffrey (1998) "Rawan Is as Rawan Does: The Origins of Disorder in New Order Aceh." Indonesia.
13. Ross, Michael L. (2004) "How Do Natural Resources Influence Civil War? Evidence from Thirteen Cases." International Organization 58, no. 1: 35–67.
14. Schulze, Kirsten E. (2004), The Free Aceh Movement (GAM): Anatomy of a Separatist Organization, = Policy Studies No. 2, Washington: East-West Center.
15. Schulze, Kirsten E. (2006) "Insurgency and Counter-insurgency: Strategy and the Aceh Conflict, October 1976–May 2004," in Verandah of Violence, ed. by Anthony Reid (Singapore: Singapore University Press).
16. Schulze, Kirsten E. (2007) "GAM: Gerakan Aceh Merdeka" in Terror, insurgency, and the state: ending protracted conflicts, ed. by Marianne Heiberg, Brendan O'Leary and John Tirman (Philadelphia: Univer-

sity of Pennsylvania Press).

17. Sukma, Rizal (2004) Security Operations in Aceh: Goals, Consequences, and Lessons, the East-West Center Washington, Washington DC.
18. Sulaiman, Muhammad Isa (2006), From Autonomy to Periphery: A Critical Evaluation of the Acehese Nationalist Movement, in: Anthony Reid (ed.), Verandah of Violence. The Background to the Aceh Problem, Singapore: Singapore University Press, 121-148.
19. TomiSoetjipto (2007) «Aceh's Mecca pilgrims find homes washed away» at [http:// www.theage.com.au/news/asia-tsunami/acehs-mecca-pilgrims-find-homes-washedaway/2005/01/28/1106850105912.html](http://www.theage.com.au/news/asia-tsunami/acehs-mecca-pilgrims-find-homes-washedaway/2005/01/28/1106850105912.html)
20. Zartman, William (2001) The Timing of Peace Initiatives: Hurting Stalemates and Ripe Moments, in: The Global Review on Ethno politics, 1, 1, 8- 18.
21. Zulkarnaen, Islander and Suzanna, Ella (2017) “Aceh: Conflict Development after the Helsinki Agreement”, Conflict Development after the Helsinki Agreement, Emerald Reach Proceedings Series Vol. 1 pp. 589–593.



بنیاد اندیشه
تأسیس ۱۳۹۴



بنیاد اندیشه
تاسیس ۱۳۹۴